

وابستگی هیجانی و رضایت شغلی

Emotional Dependence and Job Satisfaction

Rabea Nourbaksh

Azad University
Tehran, South Branch

رابعه نوربخش

دانشگاه آزاد اسلامی
واحد تهران جنوب

Abstract

In order to survey the relationship between emotional dependence and job satisfaction, 97 male and 115 female employees from Islamic Azad University's South Tehran branch were randomly selected to complete the Socha Emotional Dependence Scale (SEDS) and the Job Satisfaction Index (JSI). A multivariate analysis of variance and multiple regression indicated that neurotic dependencies, one of the SEDS subscales, could predict employee satisfaction with management, one of the JSI subscales. The relationship between SEDSD and JSI subscales differed significantly between males and females, but not among employees of various ages.

Key words: emotional dependence, job satisfaction, employees, sex, age.

چکیده

در این پژوهش ارتباط بین وابستگی هیجانی و رضایت شغلی کارمندان دانشگاه آزاد اسلامی مورد بررسی قرار گرفت. بدین منظور 91 مرد و 115 زن کارمند از واحد تهران جنوب به گونه تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند و به مقیاس وابستگی هیجانی سوچا (SEDS) و شاخص توصیف‌کننده شغل (JSI) پاسخ دادند. نتایج تحلیل واریانس چند متغیری و رگرسیون چند متغیری نشان داد که وابستگی روان‌آزرده‌وار، یکی از مؤلفه‌های وابستگی هیجانی، می‌تواند رضایت از سرپرستی را به منزله یکی از سطوح رضایت شغلی پیش‌بینی کند. ارتباط بین وابستگی هیجانی و رضایت شغلی به صورت معنادار در زنان و مردان متفاوت بود، اما این تفاوت در سنین مختلف تأیید نشد.

واژه‌های کلیدی: وابستگی هیجانی، وابستگی روان‌آزرده‌وار، رضایت شغلی، رضایت از سرپرستی، کارمندان، جنس، سن.

این پژوهش با اعتبار معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب در سال 1382 اجرا شده است.

Correspondence concerning this article may be sent to:
rabea_nourbaksh@yahoo.com

مقدمه

عملکردهای انسان بر مبنای ویژگیهای شخصیتی شکل می‌گیرند و بر تمامی جنبه‌های زندگی فردی مانند روابط بین فردی، شغل و ... تأثیر می‌گذارند. در بین ویژگیهای شخصیتی، وابستگی¹ یکی از بنیادی‌ترین مفاهیم است. وابستگی طبیعی طی مراحل تحول نسبت به اشخاص متفاوت و یا سازمانهای مختلف ابراز می‌شود، اما آنچه فعالیت‌های بزرگسال را در زندگی دچار اختلال می‌کند، وابستگی روان‌آزوده‌وار و کودکانه‌ای است که ایمنی، فرایند تصمیم‌گیری و استقلال وی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

به دلیل اهمیت وابستگی هیجانی در طول زندگی، بسیاری از روانشناسان کوشیده‌اند تا شکل‌گیری و عوامل مؤثر بر ابقای آن را مورد بررسی قرار دهند. در بین گرایش‌های متعدد روانشناختی، نظریه روان‌تحلیل‌گری بیش از دیگر نظریه‌ها به تحلیل مفهوم وابستگی پرداخته است.

بر مبنای نظریه روان‌تحلیل‌گری کلاسیک، وابستگی با وقایع دوران نوزادی (مرحله دهانی) مرتبط است

(فیشر، گرین برگ، 1985؛ سلینگ، 1986، نقل از برن اشتاین، 1992). طبق این نظریه، عدم ارضا یا ارضای بیش از حد در مرحله دهانی به تثبیت دهانی و ناتوانی حل موضوعهای تحولی و در نتیجه به ایجاد تعارض وابستگی - استقلال می‌انجامد. از این دیدگاه، فرد وابسته به لحاظ مهرورزی و حمایت به دیگران وابسته باقی می‌ماند و رفتارهای وی در بزرگسالی بر مبنای ویژگیهای مرحله دهانی تحول شکل می‌گیرند؛ بدین ترتیب این افراد هنگام مواجهه با مشکلاتی مانند اضطراب و افسردگی با روی آوردن به فعالیت‌های دهانی پاسخ می‌دهند (فروید، 1953).

وابستگی که آشکارا یکی از اجزای مهم رفتار دلبستگی²، در خلال کودکی (واترز و دین، 1985)، نوجوانی و بزرگسالی (لیوزلی، شروتن و جکسن، 1990؛ اسپرلینگ و برمن، 1991؛ دادستان، حق بین، بزازیان و حسن زاده توکلی، 1383) است، در دو زمینه مهم با دلبستگی متفاوت

می‌شود: الف - رفتار دلبستگی به هر نوع رفتاری اشاره دارد که پیامد آن دستیابی به فرد مورد علاقه یا حفظ مجاورت با اوست، در حالی که رفتار وابستگی اصولاً با جستجو در جهت طلب کمک، یاری و تأیید دیگران مشخص می‌شود، ب- رفتارهای دلبستگی معطوف به شخص خاصی است و پیوسته موضوع دلبستگی بر همان فرد بخصوص متمرکز است. بر خلاف آن رفتارهای ناشی از وابستگی، تعمیم یافته و غیر متمرکزند (آینسورث، 1972؛ لیوزلی و دیگران، 1990؛ گلوور، 2000؛ لئوناردی و کیوسوگلو، 2000).

بنابر این در صورت بروز اختلال در تحول بهنجار،

رفتارهای مبتنی بر دلبستگی به صورت رفتارهای

نابهنجار وابستگی در می‌آیند و تحت تأثیر متغیرهای

متعددی قرار می‌گیرند. یکی از این متغیرها جنس است. بررسیها نشان داده اند که با به‌کارگیری ابزارهای مبتنی بر خود گزارش‌دهی در اغلب موارد سطوح بالاتری از وابستگی در زنان گزارش شده است (لاتو، 1980؛ برچنل و کنارد، 1983؛ اوجها و سینگ، 1985؛ سینگ و اوجها، 1987). در حالی که در آزمونهای فرافکن تفاوتی بین سطوح وابستگی مردان و زنان دیده نشده است (ویس و مسلینگ، 1970؛ شلکرت و مسلینگ، 1981؛ برن اشتاین، لئون و گالی، 1988).

تبیین تفاوت مشاهده شده بین نتایج زنان و مردان، با به‌کارگیری ابزارهای اندازه‌گیری متفاوت را می‌توان به اعتبار صوری ابزارهای اندازه‌گیری نسبت داد. در آزمونهای خود - گزارش دهی از آزمودنیها خواسته می‌شود تا به سؤالهای مستقیم در باره رگه‌ها، احساسها و رفتارهای مبتنی بر وابستگی پاسخ دهند. در چنین مواردی مردان به طور واضح نسبت به زنان کمتر خواهان اعتراف به رگه‌ها و احساسهای وابستگی هستند. در حالی که در ابزارهای فرافکن مانند آزمون رورشاخ³ از آزمودنیها خواسته می‌شود، تعاریف دلخواه در مورد محرکهای مبهم ارائه دهند. در چنین شرایطی آزمودنیها نسبت به معنای ادراکهایشان آگاه

1. dependence

2. attachment

3. Rorschach, H.

نیستند و در نتیجه قادر نخواهند بود تا بر اساس شرایط مطلوب اجتماعی و نیازهای خود نمایش‌دهی، پاسخهای آزمون فرافکن را تحریف یا پنهان کنند. به هر حال مؤلفانی که به تفاوت وابستگی بین دو جنس دست یافته‌اند، این تفاوت را به نقش جنسی زن و مرد نسبت داده‌اند (برن اشتاین و مسلینگ، 1985).

برخی از پژوهشگران نیز به بررسی طولی تفاوت‌های جنسی در مورد وابستگی پرداخته‌اند و وابستگی بیشتر دختران نسبت به پسران را در سنین مدرسه نشان داده‌اند و این تفاوت‌ها را حاصل تمرین‌های اجتماعی نقش جنسی دانسته‌اند (مک‌کوبی و جکلین، 1974؛ برن اشتاین، 1992).

افزون بر عواملی مانند سن و جنس که میزان وابستگی را تحت تأثیر قرار می‌دهند، وابستگی نیز بر ویژگی‌های شخصیتی متعددی مؤثر است. بررسیها نشان داده‌اند که افراد وابسته به منظور کسب حمایت و مهرورزی و جلب رضایت دیگران بیش از اندازه برانگیخته می‌شوند و وابستگی آنها با تسلیم بودن در روابط بین فردی و تبعیت از درخواستها، تقاضاها و انتظارات دیگران (مایلن، 1981؛ مسلینگ، اونیل و جین، 1981؛ برن اشتاین و مسلینگ، 1985؛ اگراوال و ری، 1988) و تلقین‌پذیری همراه است (اوج‌ها، 1972؛ تری بیچ و مسر، 1974).

پژوهش‌های انجام شده در مورد وابستگی و تسلیم نیز همسو با پژوهش‌های مذکور، در تأیید این امرند که رفتار افراد وابسته در مقایسه با افراد غیر وابسته، بیشتر تحت تأثیر اشخاص دارای مقام و مرتبه بالا قرار می‌گیرد (برن اشتاین، مسلینگ و پوبنتن، 1987). از سوی دیگر افراد وابسته علاوه بر تسلیم‌پذیری، به دلیل احساس درماندگی و نیاز به راهنمایی و پشتیبانی دیگران بیش از افراد غیروابسته خواهان کمک هستند (سینها و پندی، 1972؛ شیلکرت و مسلینگ، 1981)، به نشانه‌های بین فردی حساس‌ترند، بیش از افراد غیروابسته تحت تأثیر روابط سرد

بین فردی قرار می‌گیرند (مسلینگ، اونیل و کتکین، 1982) و پیش‌بینی‌های دقیق‌تری از روابط بین فردی به عمل می‌آورند (مسلینگ، جانسن و سترانسکی، 1974).

از سوی دیگر بررسیها نشان داده‌اند که رضایت شغلی نیز به طور کلی، تحت تأثیر دو نیاز اصلی قرار دارد: (1) نیازهای بهداشتی که با عوامل محیطی مرتبط‌اند و شرایط زیستی و روانی، مانند حقوق سالیانه، امنیت شغلی، شرایط کار کردن، همکاران و ساختار مدیریت محیط کار را در برمی‌گیرند (دوانسی و چن، 2003)، (2) نیازهای انگیزشی مانند مسؤلیت، موقعیت، امکان ارتقای فردی و ... که در ارتباط با ماهیت کارند (هرزبرگ¹، 1966، نقل از همدسن، 2001) و خلق و ادراک فرد از موقعیت حرفه‌ای وی را شامل می‌شوند (جاج و ایس، 2004؛ کولبرت، هانت، هارتر، ویت و بریک، 2004).

بنابر این، از یکسو وابستگی بر خلق افراد تأثیر می‌گذارد و می‌تواند سطح رضایت حرفه‌ای آنان را از شغلشان تحت تأثیر قرار دهد و از سوی دیگر، یکی از سطوح رضایت شغلی ارتباط با مدیر و سرپرست است و افراد وابسته مایلند در جهت کسب رضایت دیگران، بخصوص افراد دارای مقام بالا عمل کنند. بنابر این می‌توان انتظار داشت که وابستگی بتواند میزان رضایت شغلی افراد را تحت تأثیر قرار دهد. بدین منظور پژوهش حاضر با هدف پاسخگویی به پرسش‌های زیر شکل گرفت:

آیا ارتباط‌های وابستگی هیجانی با سطوح رضایت شغلی در دو جنس تفاوت دارد؟

آیا ارتباط بین وابستگی هیجانی و سطوح رضایت شغلی در سنین مختلف متفاوت است؟

از آنجا که افراد وابسته در روابط بین فردی از خواسته‌های دیگران تبعیت می‌کنند (مایلن، 1981؛ مسلینگ، 1986) و تحت تأثیر اشخاص دارای مرتبه بالا

قرار می‌گیرند (برن اشتاین، مسلینگ و پویتن، 1987)، به نظر می‌رسد که ارتباط وابستگی با رضایت از سرپرستی (یکی از سطوح رضایت شغلی) _ به شرط دریافت پشتیبانی و حمایت _ می‌تواند معنادار باشد. بنابر این بر مبنای پرسش نخست می‌توان فرضیه زیر را مطرح کرد:

بین وابستگی روان‌آزرده‌وار و رضایت از سرپرستی ارتباط مثبت معنادار وجود دارد.

اما به دلیل عدم دستیابی به پژوهشهایی که ارتباط تعاملی بین وابستگی هیجانی و سطوح رضایت شغلی را با جنس و سن، مورد بررسی قرار داده باشند، ارتباط تعاملی اخیر به صورت پرسش پژوهش مطرح شد.

روش

روش تحقیق در این پژوهش، روش غیر تجربی (پس رویدادی) بود و روابط بین میزان وابستگی هیجانی و رضایت شغلی، به عنوان متغیرهایی که از پیش شکل گرفته‌اند، بررسی شدند.

جامعه آماری شامل کلیه کارمندان دانشکده‌ها و بخش اداری دانشگاه آزاد واحد تهران جنوب در سال 81-80 بود. حجم گروه نمونه با استناد به جدول تعیین حجم نمونه کرجسی¹ و مورگان² و از بین کارمندانی که حداقل مدرک تحصیلی‌شان دیپلم متوسطه بود، تعیین شد. بدین ترتیب از کل جامعه که 442 کارمند را با توجه به شرط فوق در برمی‌گرفت، 206 کارمند با در نظر گرفتن حجم جامعه هر مرکز و نسبت گروه نمونه به جامعه کل، از بین تمامی دانشکده‌ها و مراکز با روش نمونه برداری تصادفی طبقه‌ای، انتخاب شدند.

برای سنجش وابستگی هیجانی از پرسشنامه وابستگی هیجانی (مقیاس سوچا □) استفاده شد (جاسیسی³، 1977 نقل از سوچا، 2002). این مقیاس شامل چهارده

ماده است. هشت ماده با مؤلفه وابستگی خانوادگی و شش ماده با وابستگی روان‌آزرده‌وار مرتبط و دامنه نمره‌ها در هر ماده از صفر تا چهار است. بدین ترتیب دامنه نمره‌ها برای وابستگی خانوادگی 0-32 و برای وابستگی روان‌آزرده‌وار 0-24 است.

اعتبار⁴ این پرسشنامه توسط فهرست اهداف انگیزش و شاخص فعالیت‌های استرن⁵، ارزیابی و تأیید شده است. ثبات درونی⁶ پرسشنامه وابستگی هیجانی نیز $r = 0/74$ گزارش شده است (کینیکی، 2002).

بر مبنای تحلیل عاملی نسخه اولیه مقیاس نیز، دو عامل از بین مؤلفه‌های اساسی به وسیله چرخش واریمکس مشخص شدند. اولین مؤلفه وابستگی خانوادگی با ارزش ویژه 7/41، 28/5٪ از واریانس کل و دومین مؤلفه، وابستگی روان‌آزرده‌وار با ارزش ویژه 2/57، 9/9٪ واریانس کل را توجیه کردند. بدین ترتیب بر مبنای این دو مقیاس و حذف سه مقیاس باقیمانده دیگر که ارزشهای ویژه پایینی داشتند، قابلیت اعتماد⁷ مؤلفه وابستگی خانوادگی با آلفای کرونباخ 0/85 و قابلیت اعتماد وابستگی روان‌آزرده‌وار با آلفای کرونباخ 0/77 محاسبه شد (کینیکی، 2002).

میزان رضایت شغلی نیز با به‌کارگیری شاخص توصیف‌کننده شغل⁸، که بیش از هر شاخص دیگری در ارزشیابی رضایت شغلی مورد استفاده قرار گرفته است بررسی شد (کینیکی، 2002). این مقیاس به منظور سنجش رضایت شغلی بر مبنای تعریف اسمیت، کندال و هولین

(1969) شکل گرفته است؛ تعریفی که بر اساس آن رضایت شغلی به منزله یک پاسخ احساسی یا عاطفی با پنج شاخص (کار در حرفه کنونی، دستمزد کنونی، فرصتهای ارتقا، سرپرستی و همکاران در حرفه کنونی)

1. Kerjcie
2. Morgan
3. Jassisci, A.
4. validity

5. Stern's Activities Index
6. internal consistency
7. reliability
8. Job Descriptive Index (JDI)

0/86، فرصتهای ارتقا 0/87، سرپرستی در حرفه کنونی
0/91، همکاران در حرفه کنونی 0/91، که مبین قابلیت
اعتماد بالای این شاخص است.

به منظور دستیابی به توان پیش بینی میزان رضایت
شغلی بر مبنای وابستگی هیجانی از روش تحلیل رگرسیون
چند متغیری و برای تعیین میزان ارتباط بین وابستگی
هیجانی و رضایت شغلی در دو جنس و در سنین مختلف از
طرحهای تحلیل واریانس چند متغیری، تک متغیری و
آزمون شفه استفاده شد.

یافته‌ها

ارتباط بین سطوح رضایت شغلی و وابستگی هیجانی
متشکل از دو مؤلفه وابستگی خانوادگی و وابستگی
روان‌آزرده‌وار بر مبنای ضریب همبستگی پیرسون بررسی
شد. نتایج نشان دادند که وابستگی خانوادگی و وابستگی
روان‌آزرده‌وار با رضایت از سرپرستی به صورت معنادار
مرتبط‌اند. در حالی که بین مؤلفه‌های دیگر رضایت شغلی و
وابستگی (خانوادگی و روان‌آزرده‌وار) ارتباط معنادار به‌دست
نیامد (جدول 1).

ارزشیابی می‌شود. در هر شاخص، پاسخ به هر یک از
توصیفها، در صورتی که بیانگر رضایت شغلی باشد (پاسخ
بله) سه نمره، در صورتی که حاکی از عدم رضایت شغلی
باشد (پاسخ نه)، صفر نمره و در صورتی که مبین تردید
آزمودنی باشد (؟) یک نمره دریافت می‌کند. نمره رضایت
شغلی براساس جمع نمره‌های مواد در هر سطح مشخص
می‌شود و نمره هر یک از سطوح پنج گانه رضایت شغلی
بین صفر تا 54 خواهد بود (بالزر، کیم، اسمیت، ایروین،
بچیوچی، روبی، سینار و پارا، 1997).

بررسیهای انجام شده در زمینه اعتباریابی نشان داده‌اند
که شاخص توصیف کننده شغل دارای همبستگی بالایی با
دیگر ابزارهای رضایت شغلی است (کان، 1955) و از
سطوح بالای اعتبار افتراقی و همگرا برخوردار است (اسمیت
و دیگران، 1969). قابلیت اعتماد درونی شاخص نیز
توسط بالزر و همکارانش (1997) بررسی شده است. بر
مبنای این بررسی ضرایب آلفای شاخص توصیف کننده
شغل در شاخصهای مختلف به ترتیب زیر گزارش شده‌اند:
شاخص کلی 0/92، کار در حرفه کنونی 0/90، دستمزد
کنونی

جدول 1: ماتریس همبستگی سطوح رضایت شغلی، وابستگی‌های خانوادگی و روان‌آزرده‌وار

مؤلفه‌های وابستگی هیجانی	سطوح رضایت شغلی		همکاران	سرپرستی	فرصت ارتقا	حقوق دریافتی	
	عمومی	خانوادگی					
روان‌آزرده‌وار	••						
-0/087	0/759	-0/063	0/321**	0/372**	0/381**	-0/031	کار
-0/009	0/111	-0/060	0/038	-0/030	0/065		حقوق دریافتی
-0/074	••	-0/025	0/227**	0/255**			فرصت ارتقا
-0/223**	••	••	0/343**				سرپرستی
-0/112	0/452**	-0/155					همکاران
-0/109		-0/096					عمومی
		-0/065					

•• سطح معناداری $P < 0/1$

روان‌آزرده‌وار، مبین امکان پیش بینی رضایت از کار بر
مبنای متغیر سن، سن و جنس و رضایت از سرپرستی بر

بررسی ارتباط بین سطوح رضایت شغلی بر اساس
متغیرهای سن، جنس، وابستگی خانوادگی و وابستگی

مبنای هر چهار عامل فوق بود. در حالی که بین دیگر مؤلفه‌های رضایت شغلی و متغیرهای ملاک، ارتباط معنادار دیده نشد (جدول 2).

نتایج نشان دادند که 9٪ نسبت واریانس رضایت از کار بر مبنای دو عامل سن و جنس تبیین می‌شود. سهم عامل سن 7٪ و سهم عامل جنس 2٪ از واریانس کل بود و با توجه به ارتباط مثبت بین این متغیرها بر مبنای محاسبه ضریب بتا (سن، 0/217؛ سن و جنس، 0/143) مشخص شد که رضایت از کار با افزایش سن افزایش می‌یابد و رضایت از کار مردان بیش از زنان است (جدول 2). در مورد متغیر رضایت از سرپرستی نیز نتایج مبین این مطلب بودند که

5٪ واریانس رضایت از سرپرستی، بر اساس مؤلفه وابستگی روان‌آزرده‌وار قابل تبیین است و با توجه به وجود ارتباط منفی بین متغیرها بر مبنای ضریب بتا (ضریب بتا = -0/223)، رضایت از سرپرستی با کاهش وابستگی روان‌آزرده‌وار مرتبط است (جدول 2). بنابراین، ارتباط مؤلفه‌های وابستگی هیجانی (خانوادگی و روان‌آزرده‌وار) با یکی از سطوح رضایت شغلی (رضایت از سرپرستی) مورد تأیید قرار گرفت (جدول 1). در تحلیل رگرسیون پیش بینی سطوح رضایت شغلی نیز مشخص شد که رضایت از سرپرستی با وابستگی روان‌آزرده‌وار ارتباط منفی معنادار دارد (جدول 2).

جدول 2: تحلیل رگرسیون و واریانس چند متغیری برای پیش بینی سطوح رضایت شغلی بر اساس متغیرهای ملاک

تحلیل واریانس چند متغیری				تحلیل رگرسیون چند متغیری			سطوح رضایت شغلی
سطح معناداری	F	درجه آزادی	مجموع مجذورات	R ²	R	عوامل پیش بین	
0/000	174/16	1	3378/414	0/073	0/271	سن	رضایت از کار
0/000	162/10	2	4185/348	0/091	0/302	سن و جنس	
0/870	0/311	4	9/470	0/006	0/078	سن و جنس و وابستگی خانوادگی و وابستگی روان‌آزرده‌وار	رضایت از حقوق دریافتی
0/559	0/751	4	97/740	0/015	0/121	سن و جنس و وابستگی خانوادگی و وابستگی روان‌آزرده‌وار	فرصت ارتقا
0/001	651/10	1	1877/074	0/050	0/223	وابستگی روان‌آزرده‌وار	رضایت از سرپرستی
0/440	0/942	4	770/990	0/018	0/136	سن و جنس و وابستگی خانوادگی و وابستگی روان‌آزرده‌وار	رضایت از همکاران

جدول 3: تحلیل واریانس تک متغیری اثر تعاملی وابستگی خانوادگی، وابستگی روان‌آزرده‌وار و جنس بر سطوح

رضایت شغلی*

منبع تغییرات	سطوح رضایت شغلی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
	رضایت از کار	295/3	1/45	0/22
	رضایت از حقوق دریافتی	2/3	0/29	0/88
	فرصت ارتقا	10/6	0/31	0/87
وابستگی خانوادگی و وابستگی روان‌آزرده‌وار و جنس	رضایت از سرپرستی	545/8	3/31	0/01
	رضایت از همکاران	383/1	1/79	0/13
	رضایت عمومی	166	0/76	0/55

• درجه آزادی = 4

سرپرستی بود (جدول 3). در حالی که بین مؤلفه‌های وابستگی هیجانی و سن در هیچیک از سطوح رضایت شغلی ارتباط معنادار به دست نیامد (جدول 4).

نتایج تحلیل واریانس چند متغیری در مورد ارتباط بین وابستگی هیجانی و سطوح رضایت شغلی با جنس و سن نیز مبین وجود اثر تعاملی معنادار بین وابستگی خانوادگی، وابستگی روان‌آزرده‌وار و جنس در سطح رضایت از

جدول 4: تحلیل واریانس تک متغیری اثر تعاملی وابستگی خانوادگی، وابستگی روان‌آزرده‌وار و سن بر

سطوح رضایت شغلی*

منبع تغییرات	سطوح رضایت شغلی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
	رضایت از کار	266/1	1/30	0/26
	رضایت از حقوق دریافتی	4/2	0/53	0/75
	فرصت ارتقا	21/5	0/64	0/67
وابستگی خانوادگی و وابستگی	رضایت از سرپرستی	251/3	1/52	0/18
روان‌آزرده‌وار و سن	رضایت از همکاران	47/7	0/22	0/95
	رضایت عمومی	102/6	0/47	0/80

• درجه آزادی = 5

بحث و تفسیر

سرپرستی (یکی از سطوح رضایت شغلی) ارتباط منفی معنادار دارد. این یافته با دیدگاه‌های نظری موجود در این زمینه همسو نیست. همانطور که پیشتر نیز گفته شد افراد وابسته به دلیل تلقین پذیری و تبعیت، خواهان جلب رضایت حوزه اقتدارند (تری بیچ و مسر، 1974؛ اوجها،

تحلیل رگرسیون چند متغیری بر روی مؤلفه‌های هیجانی و سطوح رضایت شغلی (جدول 1) و تحلیل رگرسیون چند متغیری برای پیش بینی سطوح رضایت شغلی (جدول 2) نشان دادند که وابستگی روان‌آزرده‌وار با رضایت از

1972؛ برن اشتاین و دیگران، 1982).

بنابر این به نظر می‌رسد بین وابستگی و رضایت از سرپرستی می‌بایست ارتباط مثبت معنادار وجود داشته باشد. اما افراد وابسته خواهان جلب محبت و حمایت دیگران نیز هستند و بیش از افراد غیر وابسته تحت تأثیر روابط سرد بین فردی قرار می‌گیرند (مسلینگ و دیگران، 1982). بدین ترتیب با وجود اینکه افراد وابسته باید در جهت رضایت سرپرست گام بردارند، این بدان معنا نیست که از سرپرستی راضی باشند. رضایت از سرپرستی در صورتی اتفاق می‌افتد که ارتباط با سرپرست مبتنی بر روابط گرم و حمایت کننده باشد. در غیر این صورت، حساسیت این افراد نسبت به سردی روابط و کوشش در جهت جلب رضایت از سرپرست می‌تواند با شکست مواجه شود. در چنین مواردی وجود ارتباط منفی بین وابستگی و سطح رضایت از سرپرستی می‌تواند قابل توجه باشد. بنابر این عدم تأیید ارتباط مثبت بین عوامل مذکور را می‌توان به عدم حمایت سرپرست از کارمندان نسبت داد.

از سوی دیگر، هر چند در نظام اداری سرپرستی به عنوان حوزه اقتدار محسوب می‌شود، این امکان نیز وجود دارد که کارمندان، افراد دیگری را در نظام اداری به عنوان حوزه اقتدار بپذیرند. بدین ترتیب، کوشش کارمندان در جهت جلب رضایت یک حوزه اقتدار دیگر به راه خواهد افتاد و این عامل نیز می‌تواند توجیه کننده ارتباط منفی بین رضایت از سرپرستی و وابستگی باشد.

بررسی روابط بین مؤلفه‌های هیجانی، سطوح رضایت شغلی و جنس نیز ارتباط تعاملی این مؤلفه‌ها را تأیید کرد (جدول 3). اگر چه به هیچ پژوهشی که مستقیماً به بررسی این رابطه تعاملی پرداخته باشد دست نیافتیم اما، برخی از بررسیها تأثیر جنس را بر وابستگی مورد تأیید قرار داده (لوئو، 1980؛ سینگ و اوج‌ها، 1987) و برخی دیگر این نکته را تأیید نکرده‌اند (شلکرت و مسلینگ، 1981؛ برن اشتاین، لئون و گالی، 1988). تناقض بین این یافته‌ها به ابزارهای اندازه‌گیری میزان وابستگی نسبت داده شده‌اند. بر مبنای این بررسیها، در صورت به‌کارگیری

ابزارهای خودگزارش‌دهی، مردان کمتر از زنان خواهان اعتراف به رگه‌های وابستگی‌اند (برن اشتاین، 1992). بنابر این با توجه به ابزار به‌کار گرفته شده در این پژوهش، نتایج به‌دست آمده با پژوهشهایی که در تأیید ارتباط بین جنس و وابستگی‌اند، همسو بوده و سطوح بالاتر وابستگی را در زنان مورد تأیید قرار داده‌اند.

اما نتایج تحلیل واریانس تک متغیری ارتباط تعاملی بین وابستگی هیجانی، رضایت شغلی و سن را تأیید نکردند (جدول 4). پیشینه‌های نظری نیز اشاره مستقیمی به وجود چنین ارتباطی نداشته‌اند. هر چند در پژوهش حاضر ارتباط بین سن و یکی از سطوح رضایت شغلی (رضایت از کار) مورد تأیید قرار گرفته است، اما این ارتباط برای تأیید ارتباط تعاملی ذکر شده کافی نیست. بنابر این به نظر می‌رسد برای بررسی متغیرهایی مانند جنس و سن ادامه بررسیها از طریق به کار گیری آزمونهای وابستگی دیگر (مانند آزمونهای فرافکن) و انتخاب نمونه‌های وسیعتر از کارمندان ارگانهای دیگر، ضروری است.

منابع

دادستان، پ.، حق‌بین، م.، بزازیان، س. و حسن زاده توکلی، م. ر. (1383). جدایی روانشناختی از والدین و پیشرفت تحصیلی: یک پژوهش در باره تفاوت‌های جنسی و فرهنگی. *فصلنامه روانشناسان ایرانی*، شماره 1، 20-3.

Ainsworth, M. D. S. (1972). *Attachment and dependency: A comparison*. In J. L. Gewirtz (Ed.), *Attachment and dependency*. Washington, DC; V. H. Winston.

Agrawal, K., & Rai, S. N. (1988). Post - noise frustration tolerance as a function controlability of noise and dependence proneness. *Indian Journal of Psycho-metry and Education*, 19, 85-89.

Blazer, W. K., Kihm, J. A., Smith, P. C., Irwin, J. L., Bachiochi, P. D., Robie, C., Sinar, E. F., & Parra, L. F. (1997). *User's Manual for the Job Descriptive Index and the Job in General Scales*. Bowling Green, OH: Bowling Green state university.

Bornstein, R. F. (1992). The dependent personality: Developmental, social, and clinical perspectives. *Psy-*

- Lao, R. C. (1980).** Differential factors affecting male and female academic performance in high school. *Journal of Psychologist*, 104, 119-127.
- Leonardi, A. , & Kiosseoglou, G. (2000).** The relationship of parental attachment and psychological separation to the psychological functioning of young adults. *The Journal of Social Psychology*, 140 (4).
- Livesley, W. J. , Schroeder, M. L. , & Jackson, D. N. (1990).** Dependent personality disorder and attachment problems. *Journal of Personality Disorder*, 4, 131-140.
- Maccoby, F. E. , & Jacklin, C. N. (1974).** *The psychology of sex differences*. Stanford , Ca: Stanford University Press.
- Masling, J. M. , Johnson, C. , & Saturansky, C. (1974).** Oral imagery, accuracy of perceiving others, and performance in police corps training. *Journal of Personality and Social Psychology*, 30, 414-419.
- Masling, J. M. , O'Neill, R. M. , & Jayane, C. (1981).** Orality and latency of volunteering to serve as experimental subjects. *Journal of Personality Assessment* , 45, 20-22.
- Masling, J. M. , O'Neill, R. M. , & Katkin, E. S. (1982).** Autonomic arousal , interpersonal climate and orality. *Journal of Personality and Social Psychology* , 42, 529-534.
- Masling, J. M. (1986).** *Orality, pathology and interpersonal behavior*. In J. Masling (Ed.) , *Empirical studies of psychoanalytic theories* (2, 73-106). Hills-dale, NJ: Erlbaum.
- Millon, T. (1981).** *Disorders of personality: DSMIII Axis 2*. New York : Wiley.
- Ojha, H. (1972).** The relation of prestige suggestion to rigidity and dependence proneness. *Journal of Psychological Research*, 16 , 70-73.
- Ojha, H., & Singh, R. R. (1985).** Relationship of marriage role attitude with dependence proneness and insecurity in university students. *Psychologia* , 28, 249-253.
- Singh , R. R. , & Ojha, H. (1987).** Sex difference in dependence proneness. *Insecurity and Self – Concept* *Psychological Bulletin* , 112, 1, 3-23.
- Bornstein, R. F. , & Masling, J. M. (1985).** Orality and latency of volunteering to serve as experimental subjects : A replication. *Journal of personality Assessment* , 49, 306-310.
- Bornstein, R. F. Leone, D. R. , & Galley, D. J. (1988).** Rorschach measures of oral dependence and the internalized self-representation in normal college students. *Journal of personality Assessment* , 52, 648-657.
- Berchnell, J. , & Kennard, J. (1983).** What does the MMPI Dependency Scale really measure ? *Journal of Clinical Psychology* , 39 , 532-543.
- Colbert, A. E. , Mount, M. K. , Harter, J. K. , Witt, L. A. , & Barrick, M. R. (2004).** Interactive effects of personality and perceptions of the work situation on workplace deviance. *Journal of Applied Psychology*, 89 (4), 599-609.
- Freud, S. (1953).** *An outline of psychoanalysis*. In J. Strachey (Ed. and Trans.). The standard edition of the complete psychological works of Sigmund Freud (23, 141-279). London: Hogarth Press. (original work published 1938).
- Glover, R. J. (2000).** Developmental tasks of adulthood: Implications for community college students. *Community College Journal of Research & Practice* , 24(6), 505-514.
- Hodson, C. (2001).** *Psychology and work*. London: Routledge.
- Judge, T. A. , & Ilies, R. (2004).** Affect and job satisfaction: A study of their relationship at work and at home. *Journal of Applied Psychology* , 89 (4), 661-673.
- Juni, S. , & Semel, S. R. (1982).** Person perception as a function of orality. *Journal of Social Psychology*, 118, 99-103.
- Kinicki, A. J. (2002).** Assessing the construct validity of the job descriptive index: A review and meta – analysis. *Journal of Applied Psychology*, 87, 14-32.
- Kunn, T. (1955).** The construction of a new type of measure. *Personnel Psychology* , 8, 65-78.

- Tribich, D. , & Messer, S. (1974).** Psychoanalytic character type and status of authority as determiners of suggestibility. *Journal of Consulting and Clinical Psychology* , 42, 842-848.
- Waters, E. , & Deane, K. E. (1985).** Defining and assessing individual in attachment relationships. *Monographs of the Society for Research in Child Development* , 50 , 41-65.
- Weiss, L. R. , & Masling, J. (1970).** Further validation of a Rorschach measure of oral imagery: A study of six clinical groups. *Journal of Abnormal Psychology*, 76, 83-87.
- Manas*, 34, 61-66.
- Sinha, J. B. P. , & Pandey, J. (1972).** The process of decision making in dependence prone person. *Journal of Psychological Research* , 16, 33-37.
- Shilkret , C. J. , & Masling, J. M. (1981).** Oral dependence and dependent behavior. *Journal of Personality Assessment* , 45, 125-129.
- Smith, P. C. , Kendall, L. M. , & Hulin, C. L. (1969).** *The measurement of satisfaction in work and retirement*. Chicago. IL: Rand Mc Nally.
- Sperling, M. B. , & Berman, W. H. (1991).** An Attachment classification of desperate love. *Journal of Personality Assessment* , 56, 45-55.